



مرکز مشاوره مشور

انواع برخوردهای اجتماعی

با جنس مخالف

انسان موجودی است اجتماعی و مسیر رشد و تکامل او از متن اجتماع می گذرد. هر فردی در اجتماع بیشترین وقت خود را صرف برقراری ارتباط با دیگران اعم از هم جنس و غیر هم جنس می کند. در دنیای امروز برای انجام فعالیت های خود ناگزیر از برقراری ارتباط با دیگران هستیم، بنابراین باید فکر کنیم و بیاموزیم که چگونه به بهترین شکل این ارتباط را برقرار سازیم. در ارتباط است که انسان ساخته و پرداخته می شود البته اگر در این ارتباط، جنبه های انسانی در نظر گرفته نشود پیامدهای منفی و مشکلات فراوانی را به وجود خواهد آورد. یکی از محیط هایی که در آن امکان ارتباط با جنس مخالف بیشتر است، دانشگاه می باشد. در دانشگاه با افرادی از گوشه و کنار کشور با فرهنگ و آداب و رسوم مختلف آشنا می شویم که هر کدام تعریف و تعبیرهای متفاوتی از رابطه با جنس مخالف دارند. اما گاهی در جریان ارتباط با جنس مخالف موانعی بروز می کند یا باورهای غلطی شکل می گیرد که رابطه را از شکل طبیعی و سازنده خود دور می کند.

انواع برخوردهای اجتماعی با جنس مخالف در جامعه امروز:

۱- برخورد مبتنی بر شناخت و احترام متقابل: عده ای از دختران و پسران تحت تعلیم و تربیت صحیح با شناخت

واقعی از یکدیگر و به دور از تخیلات و رویاهای غیرواقعی، با یکدیگر روبه رو می شوند. آنها به کمک قدرت تعقل و تدبیر خویش، نه از جنس مخالف می گریزند و راه خود را به محض دیدن آنها کج کرده و فرار می کنند و نه این که به محض دیدن آنها خود را می بازند و هیجان زده و دستپاچه و از خود بیخود می شوند. یک نگاه و یک کلام از جنس مخالف را به عشق تعبیر نمی کنند و آن را در ذهن خود و در رویای خویش نمی پروراندند.

این افراد در ذهن خود نه از جنس مخالف غولی وحشتناک ساخته اند و نه آن را به گونه ای بسیار پر رمز و راز جلوه می دهند. رفتار آنان در مقابل جنس مخالف، مبتنی بر احترام متقابل و به دور از افراط و تفریط و خیال پردازی می باشد. خانواده به چنین جوانانی می آموزد که علی رغم این که افراد جنس مخالف موجوداتی معمولی و عادی هستند، اما آدابی را از لحاظ اجتماعی و شرعی در برخورد با آنان باید مراعات کنند. آنان به فرزندان خود می آموزند که مراعات این حدود، نه تنها ارزش اجتماعی فرد را پایین نمی آورد، بلکه موقعیت و منزلت او را نزد سایرین نیز بالا می برد.

۲- **برخورد مبتنی بر شرم افراطی:** مقصود از شرم افراطی ناتوانی فرد در برخورد با افراد اجتماع است که از آن به «کناره گیری» و «انزواطلبی» نیز تعبیر شده است. این رفتار با آنچه «حیا» نامیده می شود متفاوت است. «حیا» یک صفت پسندیده اخلاقی است و عبارت است از کنترل ارادی رفتار خویش، به منظور حفظ حریم بین خود و دیگران. در حالی که شرم و خجالت یک حالت هیجانی است که فرد در آن به شکل غیرارادی، از انجام عملی و یا بیان عقیده ای و یا حضور در جمع و جماعتی، خودداری می کند. در چنین وضعی فرد مضطرب است و بر رفتار خود تسلط اندکی دارد. ضربان قلب او افزایش می یابد و حرارت بدن، تعریق و ریتم تنفسی وی دچار نوسان می شود. بنابراین در روابط دو جنس با یکدیگر شرم و خجالت که یک نوع ناتوانی در ابراز وجود است می تواند مضر باشد.

۳- **برخورد دستپاچه و هیجان زده:** عدم شناخت ما از دیگران، به خصوص عدم شناخت در مورد اینکه دیگران چگونه درباره ی ما قضاوت می کنند، یا این که نمی دانیم عکس العمل آنان در مقابل ما چگونه خواهد بود، باعث برخورد هیجان زده و دستپاچه با ایشان می شود. در چنین وضعی رفتار ما از حالت عادی خارج می شود و خود را

بی کفایت می یابیم. از انجام دادن کارهای عادی همچون راه رفتن، سخن گفتن و... به خوبی بر نمی آیم. مهم تر این که ارزیابی و قضاوت ما نسبت به دیگران و محیط، دگرگون می شود. احساس می کنیم دیگران بیش از حد به ما توجه می کنند. پسری که از نگاه یک دختر هیجان زده می شود، ممکن است احساس کند که آن دختر عاشق او شده و یا این که او را به شدت تحسین می کند. در نتیجه این برخورد هیجان زده باعث شناخت نادرست ما از دیگران می شود. فردی در مقابل یک نگاه یا کلمه ی محبت آمیز هیجان زده می شود که شناخت درستی از جنس مخالف ندارد و رفتار درست در برابر آنها را تمرین نکرده است یا ممکن است خود را به نوعی تشنه ی محبت می داند، احساس می کند که محبت هم نسبت به او دریغ شده اند. در حالی که اگر جوانی از لحاظ شخصیتی در خانواده و جامعه مورد احترام و تکریم قرار گیرد. در برخورد با جنس مخالف دچار چنین قضاوت هایی نخواهد شد.

۴- **برخورد خشک و محدود:** برخی از دختران و پسران در برخورد با افرادی از جنس مخالف به نحو خشک و محدود رفتار می کنند. اینان از انجام دادن آداب معمول در برخورد اجتماعی، سر باز می زنند و از سلام و احوالپرسی

متداول در میان خویشان و آشنایان و هم کلاسیها از افراد غیرهمجنس اجتناب می کنند. این گونه رفتارها هنگامی غیرعادی تلقی می شود که از حدود شرع و عرف فراتر رود و به خود شکل قهرآمیز و خشن ببخشد. در ارتباطات چنین افرادی احساس می شود که کینه و خشونت سراسر وجود آنها را فرا گرفته است. باید از خود بپرسید آیا در ارتباط با جنس مخالف چنین رفتاری ضروری است؟ قطعاً پاسخ منفی است زیرا این افراد، علی رغم حسن نیت درونی شان توسط اطرافیان و به خصوص افراد ناآشنا افرادی خشن و بی احساس شناخته می شوند. در نتیجه با عکس العمل های سرد و خشن از سوی سایرین مواجه می شوند که در نهایت باعث ایجاد احساس ناخوشایندی از جامعه و افراد بشر در فرد می شود. همچنین جوانی که آموخته با سایرین با سردی و خشکی رفتار کند. اگر نتواند این رفتار را بعد از ازدواج در مقابل همسرش از بین ببرد به احتمال زیاد عکس العمل های طبیعی همسرش در مقابل رفتار خود را، عمل همسر تلقی می کند و می پندارد که این همسر اوست که بداخلاق است و همین سر منشا ناسازگاری در خانواده خواهد بود.

۵- **روابط پنهانی:** آنچه دختران و پسران را به برقراری روابط پنهانی همچون ملاقات های مخفیانه، تماس تلفنی،

چت و ارسال پیام کوتاه سوق می دهد، صرفا تمایل غریزی آنان به طرف یکدیگر نیست، بلکه وجود افکار و باورهایی است که معمولا به شکل غیررسمی و گاه پنهانی در میان آنان جریان دارد. وجود این فکر که داشتن دوست پسر و دوست دختر، نشانه ی قدرت و جاذبه اجتماعی یک دختر یا یک پسر است با این اندیشه که داشتن چنین روابطی، نشانه بزرگ شدن و بزرگ بودن آنان است، از جمله عوامل مهم زمینه ساز در برقراری روابط پنهانی است. در برقراری روابط پنهانی می باید به نقش عوامل «استمرار دهنده» این پیوندها نیز توجه کرد. از جمله این عوامل رد و بدل کردن عکس، هدیه یا نامه است که باعث ایجاد این انتظار در ذهن دختر می شود که مقدمات ازدواج فراهم آمده و یا در صورتی که بخواهد این رابطه را قطع کند، با این احساس که مدرکی در اختیار پسر دارد و ممکن است با افشای این مدرک، آبروی خود و خانواده اش را بریزد، به نحوی سعی در حفظ این روابط پنهانی می کند. برای پسر نیز رد و بدل کردن عکس و نامه و ... حقی را ایجاد می کند که بر اساس این حق، انتظار دارد دختر روابطش را با او استمرار بخشد و در صورتی که با مقاومتی از طرف دختر مواجه شود، او را تهدید به افشا می کند.

از دیگر عوامل استمرار دهنده ی روابط پنهانی، احساس گناه و آلودگی در ذهن دختر و پسر جوان است. برخی از آنها بعد از برقراری اولین ارتباطات پنهانی با یکدیگر احساس پستی و گناه می کنند. گاهی این احساس به اصرار و پافشاری در انجام عملی که این احساس را برانگیخته، می انجامد. در حقیقت جوان با خود می گوید حالا که این کار را کرده ام، پس بگذار کار را ادامه دهم. در چنین مواردی باید از ایجاد تصویر ناخوشایند از خود و احساس گناه جلوگیری نمود تا امکان تصمیم گیری مناسب و مقتضی فراهم آید.

۶- برخوردهای غیرعادی و ناپخته: برخی از برخوردهای دختران و پسران ناشی از ناپختگی شخصیت آنان است. رفتارهایی چون متلک گویی، مزاحمت های تلفنی، خبرچینی، تهمت زدن و غیبت کردن به ویژه در محیط های خوابگاهی که وسیله ای برای تفریح کردن شده است، یا بعضی از دختران و پسران در خیابانها، پارکها و سینماها به منظور جلب توجه افرادی از جنس مخالف و با هدف دوست یابی، ساعت های زیادی از روز را تلف می کنند بدون این که به روشنی بدانند به دنبال چه چیزی هستند. برخوردهای غیرعادی و ناپخته معمولا از جوانانی سر می زند که نه معنای روشنی از زندگی دارند و نه

برنامه مشخصی برای ادامه ی زندگی خود. خودآگاهی این افراد نسبت به خود و انگیزه های خود کم است.

۷- افراط در معاشرت: این گونه معاشرت ها، معمولا ناشی از بینش خاصی است که در خانواده مبنی بر «اجتماعی بودن» و «معاشرتی بودن» و در حقیقت با انگیزه «مترقی بودن» وجود دارد. داشتن میهمانی های مختلط، پوشش نامناسب، تماس بدنی مانند دست یکدیگر را گرفتن، از جمله مشخصه های معاشرت افراطی است. بینش حاکم بر این گونه معاشرت ها و مشخص نکردن حدود روشن در روابط دختر و پسر زمینه را برای انجام اعمالی که از معیارها و هنجارهای جامعه به شدت فاصله می گیرد و سبب انحطاط اخلاقی می شود، فراهم می آورد. به منظور آشنایی بیشتر با وضعیت مطلوب در روابط دختر و پسر به بروشور (وضعیت مطلوب در روابط دختر و پسر) مراجعه فرمایید.

منبع:

تحلیل تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران: علی اصغراحمدی

